

تأثیر ادبیات کهن فارسی بر بورخس در گفت و گو با احمد اخوت

بورخس بیشتر تکنیک های هزارویک شبی دارد



شایع است که بورخس، از برجسته ترین نویسندگان آمریکای لاتین و جهان، تحت تأثیر ادبیات کهن فارسی بوده است. اما احمد اخوت، نویسنده و مترجم که اثری تألیفی-ترجمه ای با عنوان «همزادهای بورخس» دارد، و در جهان این نویسنده سیر مفصلی کرده، این نظر را رد می کند و می گوید بورخس با ادبیات کهن فارسی آشنا بوده، اما بیشتر از «هزار و یک شب» تأثیر گرفته است. او همچنین مقاله-داستان های بورخس را چیزی می داند که این نویسنده را از دیگر نویسندگان متمایز می کند، روزنامه «اعتماد» به مناسبت یکصد و بیست و پنجمین سالگرد تولد خورخه لوئیس بورخس با احمد اخوت گفت وگویی کرده که گزیده ای از آن در ادامه می آید.

● نظرات زیادی درباره اینکه بورخس تحت تأثیر ادبیات کهن ایران بوده وجود دارد، نظر شما در این باره چیست؟
به نظر من، چنین چیزی نیست. بورخس، به لحاظ کاری خود، با ادبیات کهن ایران هم تاحدودی آشنایی داشته، به ویژه کارهای عطار و کارهای ترجمه شده مولانا را خوانده است. او بیشتر تحت تأثیر «هزارویک شب» است، شاید بتوان گفت تکنیک های هزارویک شبی در داستان های بورخس بسیار پررنگ است.

● پس اینکه گفته می شود بورخس تحت تأثیر خیام قرار داشته و مقاله-داستان «درباره ادوارد فیتزجرالد» را نیز که اشاره مستقیمی به این موضوع است رد می کنید؟
نه، رد نمی کنم، ولی اینکه صددرصد تحت تأثیر خیام باشد چنین چیزی نیست. در کارهای او، بیشتر تکنیک های «هزارویک شب» دیده می شود. در مقاله بسیار درخشان بورخس به نام «مترجمان هزارویک شب»، می توان سرچشمه های تأثیر ادبیات ایران را دید، البته بخشی از روایت های «هزارویک شب» ایرانی است. اگر کسی بخواهد دقیق این پیوند را با آثار بورخس پیدا کند، باید این مقاله را بخواند. دو ترجمه در زبان فارسی وجود دارد از این مقاله، یکی آقای کوثری و دیگری شاپور بهیان. در «مترجمان هزارویک شب»، خیلی خوب و دقیق پیوندهای بورخس را با این سوی دنیا می توان دید. جز این مقاله، به صورت پراکنده مقالاتی مانند همان مقاله درباره فیتزجرالد می توان دید که تأثیراتی از ادبیات ایران دارند. اما در این مقاله دقیقاً می توان دید این پیوندها چه بوده است. بسیاری دیگر از کارهای بورخس هم وجود دارد که متأسفانه ترجمه نشده و شاید بتواند به بررسی این پیوند کمک کند.

● این ترجمه نشدن کارهای جدید از بورخس به خاطر نثر پیچیده این نویسنده و سختی ترجمه آثار اوست؟
بله هم این مسئله است، هم اینکه به هر حال ترجمه سختی است که زمان می برد. متأسفانه، در کشور ما باز است که ناگهان یک نویسنده رو می آید و همه شروع می کنند به ترجمه و بعد ناگهان به محاق فراموشی می رود. این افت وخیز را از سال ۱۳۴۵ که میرعلایی ترجمه بورخس را آغاز کرد تا امروز می توان دید. یک زمانی، یک عده مترجم می روند سراغش و بعد فراموش می شود. بعضی هم طراگاهی سراغ بورخس می روند. اما به هر صورت ترجمه برنامه ریزی می خواهد و حمایت، مهم تر از برنامه ریزی حمایت است. فرض کنید باید وقت زیادی برای ترجمه بگذارید و متأسفانه چندان استقبالی از آن نمی شود.

● پیش از صحبت درباره ویژگی داستان های بورخس، می خواهم درباره نویسنده هایی که بر بورخس اثر گذاشته اند، صحبت کنیم.
بورخس نویسنده های قبل از خودش را کامل خوانده، او بسیار فرهیخته بوده است، چه زمانی که رئیس کتابخانه ملی آرژانتین در بوئنوس آیرس بود که خودش می گوید: «حدود یک میلیون کتاب را زمانی به من هدیه کردند که من نابینا بودم و نمی توانستم از آن ها استفاده کنم»، چه قبل از آن، در مصاحبه ها بیشتر و بهتر می توان این سرخ هارا دید. در مقاله گزارش یک زندگی-که احمد میرعلایی ترجمه کرد و در «مرگ و پرگار» منتشر شد، می توان رد کتاب خوانی های او را دنبال کرد.آلبرتومانگول کتاب کوچکی به نام «با بورخس» دارد که در آن دقیق درباره کتاب خوانی بورخس می نویسد و می گوید روزهایی می رفته برای بورخس کتاب می خوانده، یا در مقاله دیگری در کتاب «تاریخ خواندن» که از همین نویسنده منتشر شده و تقریباً کامل شده «با بورخس» است به این مسئله پرداخته شده است.

● درباره داستان هایش صحبت کنیم. رازآزمیزی و ابهام در داستان های بورخس را شاید بتوان از ویژگی های جهان داستانی بورخس دانست. جز این مورد، داستان های بورخس چه ویژگی هایی دارد؟ آیا شما هم داستان های او را داستان هایی پست مدرن می دانید؟
«پست مدرن» تعبیری است که معلوم نیست از کجا وارد زبان فارسی شده است. من نمی دانم کسانی که داستان های بورخس را پست مدرن می دانند دقیقاً تعریفشان از پست مدرن چه چیزی است. چیزی که به نظر من می آید در کارهای داستانی بورخس خیلی بارز است و مال خود اوست مقاله-داستان های او است. قضیه رازآزمی بودن در داستان های آلن پوه هست که اتفاقاً بورخس از او بسیار تأثیر گرفته است. وام داری بورخس به ادبیات آمریکا نیز بارها توسط خود او هم گفته شده است. این رازآزمیزی قبل از بورخس هم بوده، حتی در داستان های کلاسیک خوب می توانید ببینید. اما چیزی که کار بورخس را در داستان نویسی متمایز از بقیه می کند و مهر خودش را روی آن زده، همین مقاله-داستان است. اگر بخواهیم هر نویسنده ای را که در داستان نویسی تأثیرگذار بوده، با شاخصه اش مشخص کنیم، یکی از نویسنده هایی که باید به صورت مشخص درباره اش صحبت کرد بورخس است، و این ویژگی اوست. ممکن است قبل از بورخس بعضی، بدون اینکه آگاه باشند، مقاله-داستان نوشته باشند، اما کسی که دقیق روی آن کار کرده و به صورت مشخص این ویژگی را از آن خود کرده بورخس است. به نظر من، شاخص ترین کار بورخس که با بقیه فرق دارد و در سیر داستان نویسی باید حتماً به آن اشاره کرد مقاله-داستان است.

احمد اخوت

دومین رویداد انتقال تجربه پیشکسوتان رسانه مشهد با رویکردی متفاوت شکل می گیرد

تجربیات زنانه از کار رسانه

دومین رویداد انتقال تجربه اساتید و خبرنگار حوزه خبر مشهد، امروز (پنجشنبه، ۸ شهریورماه) برگزار می شود.

در ادامه سلسله نشست های انتقال تجربه در حوزه رسانه، که نخستین حلقه از آن، چندی پیش و تحت عنوان «رویداد انتقال تجربه خبرنگار حوزه

خبر» برگزار شد، امروز نشست دیگری برگزار خواهد شد که رویکردی متفاوت دارد.

در دومین رویداد انتقال تجربه اساتید و خبرنگار حوزه خبر مشهد که همچنان به همت «خانه مطبوعات و رسانه های استان خراسان رضوی» و در «شهر کتاب» چهارراه ابوطالب، شکل می گیرد.

درباره یک نرم افزار کتاب خوان و فروشگاه اینترنتی کتاب در مشهد، در گفت وگو با مدیر اجرایی آن

انگیزه کار فرهنگی به تنهایی کافی است؟

خادم

گفت وگو

نرم افزارهای کتاب خوان، که مثل بسیاری دیگر از پدیده های نو ابتدا با تردید به آن ها نگاه می شد، حالا دیگر جایشان را نزد کتاب خوان ها باز کرده اند. قیمت پایین تر نسخه الکترونیک نسبت به نسخه چاپی، دردسترس بودن در هر زمان و مکانی، نیاز نداشتن به فضای بیرونی، و امکانات و مزایای رقابتی دیگری که این نرم افزارها دارند در موفقیت آن ها مؤثر بوده است. «طاقچه» و «فیدیبو»، در این میان از شهرت بیشتری برخوردارند. مشهد هم چندین فروشگاه اینترنتی کتاب دارد که «باتوق کتاب»، «کتاب رسان»، «کتاب هشت»، «کتابیوم»، و «جریان کتاب» شماری از آن ها هستند. از این فروشگاه ها برخی نسبتاً موفق بوده اند و برخی هم چندان توفیق نداشته اند. که هر کدام دلایلی دارد که نیازمند واکاوی است. یکی دیگر از این سکوها که در مشهد فعالیت می کند «فراکتاب» است. «فراکتاب»، علاوه بر عرضه نسخه الکترونیک و کتاب صوتی، فروشگاه اینترنتی کتاب هم هست و فروش نسخه چاپی نیز دارد. اما، این نرم افزار و فروشگاه اینترنتی کتاب، با اینکه بیش از ۱۰ سال سابقه فعالیت دارد، برای مخاطب عام و عموم کتاب خوان ها چندان شناخته شده نیست. احسان مسعودی، مدیر اجرایی «فراکتاب» که با او گفت وگو کرده ایم، تأکید دارد که در بخش عرضه کتاب های الکترونیک برخی ناشرها، به دلایل مختلف- تمایلی به امضای قرارداد با آن ها و عرضه نسخه الکترونیک کتابشان روی نرم افزار کتاب خوان «فراکتاب» نداشته اند. اما درباره اینکه چرا این سایت در بخش فروش نسخه چاپی نیز تنوع ندارد و باز تمرکز بر کتاب های خاصی است می گوید بخش های کتابی که «فراکتاب» با آن ها کار می کند تنوع چندان ندارند. مشروح گفته های مسعودی را در ادامه می خوانید.

● شروع کار با خرید و توسعه یک استارتاپ عرضه کتاب های صوتی بود

مدیر اجرایی «فراکتاب» درباره سابقه کار و چگونگی شروع فعالیتشان می گوید: «فراکتاب متعلق به یک شرکت رایانه دانش بیان است. این شرکت، اوایل دهه ۹۰، استارتآپی را خریداری کرد که ایده اصلی آن تولید کتاب صوتی بود تا مردم راحت تر بتوانند در هر جایی که هستند از کتاب استفاده کنند. استارتآپی که خریداری می شود، بعد از مدتی، نامش به فراکتاب تغییر می کند. در ادامه مسیر، فراکتاب به ما نرم افزار کتاب خوان تبدیل شد و ما نسخه الکترونیک کتاب های ناشرانی را که با ما قرارداد امضا کردند روی نرم افزار قرار دادیم؛ بنابراین، هرکس می خواهد از کتاب های الکترونیکی که ما عرضه می کنیم استفاده کند باید نرم افزار ما را، مانند دیگر نرم افزارهای کتاب خوان مانند 'طاقچه' و 'فیدیبو' و کتابراه، نصب کند. تفاوت نرم افزارهای کتاب خوان در تعداد و نوع کتاب هاست. تعداد کتاب های فراکتاب نسبت به نمونه های مشابه که نام بردم کمتر است و البته با یک سری ناشرهای متفاوت هم کار می کنیم.»

● انگیزه کار فرهنگی داریم، اما درآمدمان راضی کننده نیست
وقتی از او درباره میزان رضایت از فروش و استقبال از نرم افزار کتاب خوان و فروش اینترنتی نسخه چاپی می پرسیم، می گوید انگیزه اصلی شان کار فرهنگی است و همین انگیزه سبب شده که تا امروز کار را ادامه بدهند؛ سپس اضافه می کند: «اما، اگر منظور از راضی بودن رضایت از فروش ودرآمد است، نه؛ مبلغ قابل توجه و راضی کننده ای نیست که بتوان از درآمد آن هزینه هایش را تأمین کرد تا رشد کنیم». مسعودی ادامه می دهد: «یکی از دلایل اصلی اینکه فراکتاب نتوانسته به ما مالی به خوبی رشد کند همکاری نکرد ناشران در گذشته بوده است. ابتدا که فراکتاب کارش را شروع کرده، چون کار تازه ای بوده، ناشر نمی توانسته اعتماد کند که کتابش را در اختیار ما قرار دهد که به صورت الکترونیکی منتشر شود. برخی هم بدون دلیل خاصی تمایل به همکاری نداشته اند. کار ما این است که بستری فراهم کنیم تا کتاب به کاربر برسد، اگر کتاب نباشد، کار هم خوب پیش نمی رود. از دیگر سو، چون فراکتاب مجموعه خصوصی بوده، توان مالی عظیم نداشته که بتواند تبلیغات گسترده ای انجام

دهد. کتاب خوان های دیگر، به واسطه پشتوانه هایی که داشتند، توانستند هزینه های سنگینی برای تبلیغات انجام دهند و طبیعتاً بیشتر دیده شده اند و بیشتر رشد کرده اند.» او، در پاسخ به اینکه چرا ناشران با نرم افزارهای کتاب خوان دیگر، مانند «طاقچه» و «فیدیبو»، کار می کنند و با «فراکتاب» نه، می گوید: «شاید یکی از دلایلش این است که آن ها در دوره ای معروف شدند و تعداد کاربر هایشان رفت بالا، و طبیعتاً ناشر هم رغبت بیشتری دارد که با جایی کار کند که بیشتر دیده شده و می شود. کاربران بیشتری هم دارد و به این ترتیب احتمال فروش کتاب ناشر را هم بالاتر می برد. البته ممکن است بحث های اعتقادی هم باشد که خیلی کم رنگ تر است.»

● می خواهیم پخش دیگری راه بیندازیم که کتاب هایش متنوع تر و متفاوت تر باشد اما، همان طور که پیش تر گفته شد، «فراکتاب» فقط نرم افزار کتاب خوان نیست و سایت فروش اینترنتی کتاب هم هست. فروشگاه های اینترنتی کتاب هم در سال های اخیر مشتریان وفادار خود را پیدا کرده اند و به دلیل اینکه می توانند کتاب ها

● خلبان های جنگ جهانی دوم و کبوتر های نامه بر خسرو پرویز هم همین آسمان را پرواز کرده اند

● راهایی و شادی لباسی است که به هر کسی نمی آید.

● بختند آدمی بعد از مرگ

● وزن شادی زیاد نیست مثل یک گل بنفش چهار پر است کنار گوش های یک فیل در قاب عکس باد بادک هم رها نیست پرنده هم باید به لانه اش برگردد حتی دامن باد هم به جایی گیر خواهد کرد. باد بادک های عزیز!



نرگس برهنند

درباره مرحوم مصطفی لشکری

ژورنالیست باسواد، عملیاتی و آزاده

مصطفی لشکری (زاده ۱۳۶۱)، روزنامه نگار مشهدی، چهارشنبه (۷ شهریورماه)، در باگشت از کربلا، بر اثر تصادف در آزادراه «شهید شوشتری»، درگذشت. این روزنامه نگار باسابقه، در سال های گذشته، چندی در «شهرآرا» فعالیت داشت. لشکری، در زمان حضور خود در این رسانه، در مقطعی مسئول بخش ضاممن و مدتی هم معاون فرهنگی تحریریه بود. او، در سال های اخیر، در روزنامه «قدس» قلم می زد. «مؤسسه فرهنگی شهرآرا»، ضمن تسلیت این حادثه ناگوار به خانواده لشکری و همچنین خانواده رسانه مشهد، بنابه وظیفه، برای گرامیداشت یاد او، اینجا، سوگ نوشته ای از همکار او درج می کند.

یک خبرنگار معمولی است که دنبال کاری برای اجرا کردن می گردد و هم آن چنان دوازده سترس بود که تعجب می کردی چطور این قدر عمیق است و تاکنون به آن پی نبرده ای؛ دُرّ سترس بود، چرا که هر زمان کاری روی زمین می ماند، بی ریا و بی تکبر، شانه می داد زیر کار و کار را به بهترین نحو ممکن جمع می کرد؛ اما، از آن طرف، هر زمان که با او هم کلام می شدی ـ در موضوعات مختلف ـ بعد از چند دقیقه متوجه می شدی آن قدر باسواد است که حتی نمی شود به او نزدیک شد. از شخصیت های مختلف سیاسی و

تاریخی گرفته تا جریانات گوناگون را مثل کف دست می شناخت و نقد می کرد. خلاصه اینکه مصطفی یک ژورنالیست لالاییگاری بود، ولی هر زمان به او نیاز داشتی از بازی در زمین خاکی هم ابایی نداشت.

اما این بخش از شخصیت مصطفی برای من خیلی عجیب نبود ـ شاید بشود گفت که این ویژگی ها را از هر بچه حزب الهی می توان

متنوع تر و متفاوت تر است و وجه مذهبی آن در حاشیه است.»

● ویتترین را به چه شرایط چیده ایم از مسعودی، که پیش تر به انگیزه کار فرهنگی اشاره کرده است، می پرسیم که آیا این انگیزه و دغدغه متوجه نگاهی خاص است و آیا آن ها خلّاتی در بازار کتاب دیده اند که قصد پرکردن آن را دارند یا نه. او تأکید می کند که به عموم جامعه نظر دارند و انگیزه فرهنگی شان صرفاً کار در حوزه کتاب است. با وجود این، آنچه در پیشانی سایت «فراکتاب» قرار دارد و تبلیغ می شود ادعای مدیر اجرایی آن را تأیید نمی کند، و این-دست کم- برداشت هر مخاطبی است که اول بار از این سایت بازدید می کند و طبیعتاً از نیت مدیران آن بی خبر است. وقتی این موضوع را با مسعودی مطرح می کنیم، او می گوید: «نگاه ما همان چیزی است که در ویتترین سایت نشان می دهیم. طبیعتاً هم، وقتی از ۱۰۰۰ کتابی که داریم ۹۰۰ تا پیش یک جور است، ویتترین را این طور چیده ایم و آن چیزی که موجود و مد نظر داریم بیشتر در سبک مذهبی و انقلابی و این هاست.»



● به روحش بر می گردد نگاهش گرمای نوازش دستانش و حتی تالو مو هایش در آفتاب. مرگ

روی خوب زندگی را می دزدد و می برد.



انتظار داشت. اینکه هم عمیق باشد و هم عملیاتی؛ آن بخشی از شخصیت مصطفی که برای خود من الگو بود آزادیگ او بود. مصطفی لشکری حاضر بود منافع و پست و مقام خود را بدهد، ولی از اصول و عقاید خود-که از قضا اصول و عقاید دینی هم بود- کوتاه نیاید. به همین دلیل، مصطفی لشکری، درعین اینکه بیشتر در حوزه سیاست قلم زد، سیاست زده نشد. چه بسا، اگر او اندکی چشم روی هم می گذاشت، امروز به راحتی پست و مقامی در وزارتتی و اداره کلی و سازمانی می داشت، همچنان که عده ای از اطرافیان ما ژورنالیست ها، به همین طریق، امروز به نان و نواپی رسیده اند. اما مصطفی اهل زدوبند های این چنین نبود و به همین دلیل تا آخرین روز حیاتش مصلحت اندیش نشد. برای من که ۱۰ سال از نزدیک با او کار کردم، بیش از عمق محتوایی و توانایی عملیاتی مصطفی لشکری، این آزادگی و حریتش درس آموز است.